

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از مسائلی که در بحث تقیه مورد بحث قرار می گیرد مسئله مسح بر خفین می باشد، ما امامیه معتقدیم که مسح در وضو باید بر بشره صورت بگیرد چه در پا و چه در سر فرقی ندارد ولی سنی ها معتقدند که مسح بر خفین یعنی از روی کفش هم کافی است، به نظر ما طبق آیه ۶ از سوره مائده و روایاتی که داریم مسح فقط باید بشره صورت بگیرد.

خوب محقق در شرایع می فرمایند که: « يجب المسح على البشرة القدم ولا يجوز على الحائل من خف أو غيره إلّا للثقیة أو الضرورة ».

صاحب جواهر در ص ۲۳۲ تا ص ۲۳۷ از جلد ۲ جواهر درباره مسح بر خفین بحث کرده و فرموده که ما باید اخبار مربوط به مسح بر خفین و وضوآت بیانیه را ملاحظه کنیم، چون ما وضوی بیانیه و تیمم بیانیه داریم و وضوی بیانیه آن است که ائمه (ع) آن را بیان کرده اند و آموزش داده اند و تیمم بیانیه هم به همین ترتیب می باشد، خلاصه صاحب جواهر می فرمایند که ما باید به وضوآت بیانیه که در اخبار ما ذکر شده اند مراجعه کنیم لذا اگر کسی برخفین مسح کند وضوآت صحیح نمی باشد سپس ایشان می فرمایند عجیب این است که سنی ها مسح بر خفین را جایز می دانند ولی مسح بر خود پا را جایز نمی دانند و پاهایشان را می شویند و بعد ایشان خبر ۱۰ از باب ۳۸ از ابواب وضو را ذکر می کنند، صاحب جواهر در ضمن این بحث مطالب زیادی را برعلیه عمر ذکر می کند و می گوید که عمر در هر مهلکه ای و در هر حادثه ای به امیرالمؤمنین (ع) پناه می برد ولی در این مسئله مسح برخفین حرف حضرت را گوش نداد و گفت که مسح بر خفین اشکالی ندارد و در ص ۱۱۰ از جلد ۱۶ الغدیر مواردی ذکر شده که عمر گفته بوده لولا علی (ع) لهلك العمر و با اینکه خود عمر اعترف أن كل الناس أفتقه منى حتى المخدرات فى الحجاب ولی باز به قول حضرت امیر (ع) در این مسئله توجه نکرد.

خوب مطلب از لحاظ فقهی برای ما شیعیان روشن است فقط از نظر ادبیاتی و نحوی ما درباره آیه مذکور (۶ مائده) می گوئیم که واو در وأرجلكم به معنای مع است به این معنی که وامسحوا برئوسکم مع أرجلكم ولی سنی ها أرجلكم را عطف به وجوهکم و ایدیکم می کنند و می گویند واغسلوا وجوهکم و ایدیکم و أرجلكم فلذا پاهایشان را می شویند ولی ما طبق اخبار اهل بیت (ع) می گوئیم که أرجلكم بعد از وامسحوا ذکر شده لذا مربوط به همین وامسحوا است نه اغسلوا، و ما أرجلكم را منصوب می خوانیم بواسطه اینکه واو به معنای مع می باشد.

خوب حرف درباره وضو زیاد است مثلاً زرارة از امام صادق (ع) سؤال کرد که: من أين علمت أن المسح ببعض الرأس؟ چون که ما قائلیم مسمی مسح کفایت می کند ولی سنی ها تمام سرشان را می شویند، حضرت فرمودند: قال یا زرارة لِمَ كان الباء، یعنی اگر می گفت وامسحوا برئوسکم خوب ما باید تمام سر را مسح می کردیم ولی گفته شده وامسحوا برئوسکم. صاحب جواهر می فرمایند که باء برای الصاق می باشد، و سیبویه در اینجا از لحاظ نحوی به امام صادق (ع) اشکال کرده است فلذا علامه مجلسی درباره او می گوید که این شخص منکر ولایت است و مبغض اهل بیت (ع) می باشد و حاج شیخ عباس قمی هم در هدیه الأحاباب وقتی به سیبویه می رسد می گوید که مجلسی درباره او گفته است: هو مبغض لأهل البيت (ع)، خلاصه سیبویه در اینجا فکر کرده که باء برای تعدیه می باشد در حالی که امسحوا خودش متعدی بنفسه می باشد فلذا گفته امام صادق (ع) توجه نکرده که باء برای تعدیه نمی باشد، بعد آمدند و گفتند که سیبویه اشتباه کرده است و باء برای الصاق می باشد ولی ما می گوئیم که مسح اگر متعدی بنفسه باشد ظاهرش این است که باید تمام سر را مسح کند ولی اگر متعدی به باء شود مسمی مسح کافی است و امام صادق (ع) هم می خواستند همین را بگویند.

خوب و اما شیخ طوسی در ص ۹۷ از جلد اول خلاف در مسئله ۴۳ از باب وضو فرموده اند: « لا يجوز المسح على الخفین لافى الحضر و لافى السفر و خالف جميع الفقهاء فى ذلك على اختلاف بينهم فى مقدار المسح فى السفر و الحضر،

(ع) فرموده اند در هر چیزی تقیه کنید إلا اموراتی من جمله مسح علی الخفین .

خوب روایاتی که مسح علی الخفین را از موارد تقیه استثناء کرده اند در باب ۲۵ از ابواب الأمر والنهی ذکر شده اند که خبر ۳ و ۵ بر این مطلب دلالت دارند و اما خبر ۳ از این باب ۲۵ این خبر است : « وعنه ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن هشام بن سالم ، عن أبي عمر الأعجمي عن أبي عبدالله (ع) - فی حدیث - أنه قال : لادين لمن لا تقية له ، والتقية في كل شيء إلا في النبذ و المسح علی الخفین » . ابي عمر الأعجمي توثيق نشده است و همانطور که می بینید مسح علی الخفین از موارد تقیه استثناء شده است .

و اما خبر ۵ از این باب ۲۵ این خبر است : « و عن علی ، عن أبيه ، عن حماد ، عن حذیر ، عن زرارة قال : قلت له : فی مسح الخفین تقية ؟ فقال : ثلاثة لا أتقى فيهن أحداً : شرب المسكر ، و مسح الخفین ، و متعة الحج قال زرارة : لم يقل الواجب عليكم أن لا تتقوا فيهن أحداً » . خبر سنداً صحیح می باشد و همانطور که می بینید دلالت بر مانحن فيه دارد ، بنابراین بحث به این صورت می شود که عمومات تقیه اقتضاء می کنند که در مقام تقیه مسح بر خفین جایز باشد بعلاوه ما روایاتی هم در باب وضو داریم که می گویند مسح بر خفین جایز است و از طرفی هم در این دو روایت که خواندیم آمده است تقیه در مسح علی الخفین جایز نیست ، خوب حالا ما می مانیم و جمع بین این اخبار که إنشاء الله بحشش بماند برای فردا... .

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

دلیلنا اجماع الفرقة المحقة و أيضاً قوله تعالى : و امسحوا برئوسكم و أرجلكم (۶ مائده) فمن مسح علی خفه لم یوقع الفرض فی الرجل إلى آخر » .

علامه در ص ۱۷۲ از جلد اول تذکره در مسئله ۵۳ می فرمایند : « لا یجوز المسح علی الخفین ولا علی سائر إلا للتقیة أو الضرورة و ذهب إليه علمائنا أجمع لقوله تعالى : و امسحوا برئوسكم و أرجلكم (مائده ۶) و الباء للإصاق » و بعد روایاتی را درباره عدم جواز مسح بر خفین ذکر می کند و می فرماید که حضرت امیر (ع) فرمودند : « ما أبال أمسح علی خفین أو علی ظهر غیر » یعنی مسح فقط باید روی پا انجام بگیرد و إلا چه بر خفین مسح شود و چه بر پشت خر وحشی فرقی ندارد و این مطلب را محقق در معتبر هم نقل کرده است ، و خلاصه اینکه سنی ها روایات فراوانی بر جواز مسح علی الخفین دارند که ما هیچ کدام از آنها را قبول نداریم ، مثلاً در ص ۲۸۳ از کتاب المغنی تألیف ابن غدامه این طور گفته شده : « المسح علی الخفین جائز عند عامة اهل العلم و عن الحسن (بصری) قال حدثني سبعون من الصحاب أن رسول الله (ص) مسح علی الخفین ... إلى آخر » .

سنی ها بحث های دیگری را نیز مطرح کرده اند من جمله این که آیا مسح بر خفین افضل است یا شستن پا ؟ یعنی اختلاف نظر دارند مثلاً می گویند اگر عجله دارد مسح بر خفین کند و إلا پاهایش را بشوید ، و بحث دیگر این است که مسح بر عمامه به جای مسح بر سر و شستن سر جایز می باشد ، خلاصه اینکه سنی ها چون احکام الهی را از اهل بیت (ع) نگرفته اند به این صورت که عرض شد به بی راهه رفته اند .

خوب و اما همانطور که عرض کردیم ما شیعیان قائلیم شکی نیست که مسح باید فقط بر بشره صورت بگیرد ، و اما در مقام تقیه مسح بر خوفین اشکالی ندارد زیرا عمومات باب تقیه اقتضا می کند که در مقام تقیه مسح بر خفین جایز باشد ، منتهی آنچه که محل بحث است این است که ما روایاتی داریم که در آنها اهل بیت